



وبلاگ‌نویسی در مصر وائل عباس، افشاگر فساد

Exposing Corruption in Egypt Blogger Wael Abbas

Blogger Wael Abbas uses the internet to publicize human rights abuses and police brutality in Egypt. He has become well-known for posting videos documenting torture at police stations. His work publicizing one such video led to an unprecedented trial resulting in convictions and jail sentences for the crime's perpetrators.

Vision and Motivation

In the three decades between 1981 and the 2011 Egyptian Revolution, President Hosni Mubarak kept a tight grip on Egypt. As the years passed, according to Human Rights Watch, Mubarak grew to "epitomize the authoritarian Arab ruler, presiding over a system in which opponents are muzzled and imprisoned, and where torture is widespread."¹ In this context, the internet was one of the few means Egyptians had

وائل عباس به عنوان یک وبلاگ‌نویس، از اینترنت برای آگاهی‌رسانی در مورد نقض حقوق بشر و قساوت پلیس در مصر استفاده می‌کند. او به خاطر عرضه فیلم‌های مستند مربوط به شکنجه در ایستگاه‌های پلیس، شهرت یافته است. عرضه یکی از این ویدیوها به محاکمه بی‌سابقه و محکومیت و احکام زندان برای متهمان منجر شد.

بینش و انگیزه

حسنى مبارك از هنگامى كه در سال ۱۹۸۱، در مصر قدرت را به دست گرفت، کنترل سختى بر این کشور اعمال كرد. بنا به گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر، با گذشت زمان، مبارك به «نماد يك حاكم اقتدارگرای عرب تبدیل شده و بر نظامى حكومت مى‌كند كه مخالفان در آن محدود و زندانى مى‌شوند و شکنجه در آن شایع است.»^۱ در این شرایط، اینترنت یکی از محدود و سالیلى بود كه مصريان برای بیان نظرات خویش

to express themselves.

In late 2004, frustration at the Mubarak regime was reaching a peak; the government was preparing to hold presidential elections, yet everyone knew that Mubarak would "win" another term. New grassroots civic movements, such as Kifaya, the Egyptian Movement for Change, formed and began holding protests against Mubarak. However, the Egyptian media did not dare cover these events, so the public was kept largely unaware of the growing civic mobilization.

According to Wael Abbas, "That's when we bloggers decided to take matters into our own hands. We believed in the people's right to know."² Frustrated at the press' passivity in addressing Egypt's pressing social and political issues, he founded the blog Egyptian Awareness, filling it with his own photos and videos of the protests. Unlike most Egyptian bloggers, he limited his commentary to simple captions of pictures, since he believes "You can write a book and it can all be lies, but one picture can tell the whole story truthfully."³

Abbas wanted to give Egyptians only information, without attempting to lead them in a particular ideological direction. Rejecting the country's existing political movements and their efforts to manipulate Egyptians, Abbas believes that "the citizen needs awareness; he needs to know everything about everyone, because in the end he is the one who will have to decide who is good and who is bad."⁴

در اختیار داشتند.

نارضایتی از رژیم مبارک در اواخر سال ۲۰۰۴، به اوج خود رسید؛ حکومت برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آماده می‌شد اما همه می‌دانستند که مبارک دوره ریاست جمهوری دیگری را نیز از آن خویش خواهد کرد. جنبش‌های مدنی ریشه‌دار مثل کفایه یا جنبش مصر برای تغییر شکل گرفت و اعتراضات خویش علیه مبارک را آغاز کردند. رسانه‌های مصر جرات پوشش خبری این رخدادها را نداشتند و به این دلیل، مردم تا حد زیادی از این بسیج رو به رشد مدنی، بی‌اطلاع نگاه داشته شدند.

بنا به گفته وائل عباس، «این زمانی بود که ما وبلاگ‌نویس‌ها تصمیم گرفتیم امور را به دست خودمان بگیریم. ما به حق مردم برای دانستن، باور داشتیم.»^۲ او با نارضایتی از وضعیت انفعالی مطبوعات در گزارش مسائل سیاسی و اجتماعی مورد توجه در مصر، وبلاگی به نام بیداری مصر پایه‌گذاری کرد و آن را با عکس‌ها و ویدیوهای خود از اعتراض‌ها انباشت. او برخلاف اکثر وبلاگ‌نویسان مصر، تفاسیر خود را به توضیح کوتاهی در مورد عکس‌ها محدود کرد چون بر این باور بود که «می‌توان کتابی پر از دروغ نوشت اما یک عکس، کل داستان را با صداقت بیان می‌کند.»^۳

قصد عباس اطلاع‌رسانی به مصریان بود، بدون تلاش برای هدایت آنان به یک جهت‌گیری ایدئولوژیک خاص. او با رد جنبش‌های سیاسی موجود در کشور و تلاش آنان برای دستکاری مصریان، بر این باور بود که «شهروند به آگاهی نیاز دارد؛ او نیاز دارد که همه چیز را در مورد همگان بداند، چون در نهایت او کسی است که باید در مورد خوبی و بدی افراد تصمیم بگیرد.»^۴

Goals and Objectives

Throughout his blogging career, Abbas has kept his goals in mind: "My mission is to reach people [and] mobilize them. It is to acquaint people with their rights. I want the uneducated Egyptian to know that it is not acceptable for anyone to slap him on [the back of his neck, as police have done with suspects]. If I can do that, then that's good enough."⁵

On his blog, Abbas has raised awareness about government repression of political protests, sexual harassment in Cairo, election fraud, the assault and torture of political dissidents, and gruesome incidents of police brutality. Through it all, he says, "All I wanted was for my country to change, to become more democratic, and to recognize the basic rights of its citizens. So I focused my work on making people aware of what was going on and helping them understand their rights."⁶

Abbas envisions a democratic Egypt where civil liberties and rights are respected. "I am a regular Egyptian who wants my country to be better," he says. "I want to see transfer of power, democracy, freedom, and freedom of opinion and expression."⁷ An opponent of the Muslim Brotherhood, he acknowledges the possibility of their coming to power in a truly democratic Egypt, and says, "That's why I believe in working on two levels — advocating democracy while enlightening the people so that they make the right choice when the time comes for real democratic elections. That's why I called my blog Egyptian Awareness."⁸

اهداف و مقاصد

عباس در دوران وبلاگ‌نویسی، اهداف خود را فراموش نکرد: «ماموریت من ارتباط‌گیری با مردم [و] تحرک‌بخشی به آنهاست. هدف، آشنا کردن مردم با حقوق خود است. من می‌خواهم مصریان تحصیل‌نکرده بدانند که زدن [پس‌گردنی، کاری که پلیس با مظنونان می‌کند] پذیرفته نیست. اگر بتوانم این کار را انجام دهم، همین کافی است.»^۵

عباس در وبلاگ خود به سرکوب اعتراضات سیاسی توسط حکومت، آزار جنسی در قاهره، تقلب در انتخابات، شکنجه و حمله به مخالفان سیاسی و حوادث وحشتناک ناشی از قساوت پلیس پرداخت. او می‌گوید: با این کارها «آنچه را که دنبال می‌کنم تغییر کشور به سمت و سوی دموکراسی و به رسمیت شناختن حقوق اساسی شهروندان است. بدین ترتیب تمرکز من بر آگاهی دادن به مردم در مورد آنچه می‌گذرد و کمک به آنها برای درک حقوق خود است.»^۶

عباس به دنبال یک مصر دموکراتیک است که در آن، آزادی‌ها و حقوق مدنی مورد احترام هستند. او می‌گوید: «من یک مصری معمولی هستم که می‌خواهد کشورش بهتر باشد. من می‌خواهم تحول قدرت، دموکراسی، آزادی و آزادی بیان و عقاید را بینم.»^۷ در آن زمان، او به عنوان یکی از مخالفان اخوان‌المسلمین، امکان به قدرت رسیدن آنها در یک مصر دموکراتیک را به رسمیت می‌شناخت. به نظر وی: «به همین دلیل است که به کار در این سطوح باور دارم، یعنی دفاع از دموکراسی در حالی که به مردم برای انتخاب درست در شرایط دموکراتیک واقعی، آگاهی داده شود. به همین دلیل وبلاگم را بیداری مصر نام گذاشتم.»^۸

Leadership

While Abbas has become a leader of Egypt's blogosphere, he has not always had such civic ambitions. While completing his BA in English at Ain Shams University in the early 1990s, he was never politically active on campus. It was only after the birth of the internet that Abbas began his career as a civic activist. He began by writing for a group blog titled Voice of the People, whose writers used the internet to discuss Egypt's political, religious, and social issues. In 2004, he launched Egyptian Awareness under the tagline "At the whim of its owner who doesn't work for anyone."⁹

During his blogging career, Abbas has worked hard to maintain credibility. As such, he emphasizes his independence, explaining, "I do not belong to any party or ideology...There are some Marxist ideas that I think are good, there are some Islamic ideas that I think are good, and there are some liberal ideas that I think are good."¹⁰ Abbas relies heavily on raw documentary evidence, advising others to "always try to support what you're saying with pictures and videos...multimedia, it gives you more legitimacy."¹¹

Furthermore, much of his credibility is based on his journalistic integrity and commitment to transparency; for example, when he was accused of being a criminal, he responded by posting a copy of his criminal record on his blog for all to see.¹²

Abbas disclaims any efforts to provide solutions for the problems around which he attempts to raise awareness. Explaining

رهبری

عباس به یکی از رهبران فضای وبلاگ‌نویسی در مصر تبدیل شده اما همیشه به دنبال این گونه خواسته‌های مدنی نبوده است. او در حالی که دوره کارشناسی خود را در دانشگاه عین شمس در رشته زبان انگلیسی در اوایل دهه ۱۹۹۰، به پایان می‌برد، هرگز از لحاظ سیاسی در دانشگاه فعال نبود. پس از تولد اینترنت بود که عباس کار خود را به عنوان یک فعال مدنی آغاز کرد.



او با نوشتن برای یک وبلاگ گروهی با عنوان «صدای مردم» آغاز کرد. نویسندگان این وبلاگ، از اینترنت برای بحث در مورد مسائل سیاسی، مذهبی و اجتماعی مصر استفاده کردند. او در سال ۲۰۰۴، وبلاگ «بیداری مصر» را با این سرخط راه انداخت: «با خواست دارنده این وبلاگ که برای کسی کار نمی‌کند.»^۹

عباس در کار وبلاگ‌نویسی، برای حفظ اعتبار خویش، به سختی کار کرده است. او به

his approach, Abbas expresses admiration for Charles Dickens, because he raised awareness about societal problems in Britain, and while he never proposed solutions, through his writings he laid the groundwork for others to reform society.¹³ "I don't have answers," Abbas says. "I can only point out the problem...for people to solve it."¹⁴

Civic Environment

While the Mubarak regime allowed some latitude to activists and dissidents, thus enabling the country's bloggers to take the lead in the Arab political blogosphere, Egypt was nonetheless named as one of the top ten "worst countries to be a blogger" by the Committee to Protect Journalists.¹⁵ Authorities did not block many websites, but they did engage in widespread intimidation, harassment, and detention of bloggers. Because of this repressive environment (see Freedom House's report on internet freedom in Egypt), Abbas has said, "I feel threatened all the time."¹⁶

According to Abbas, his blog has been continually hacked and was once attacked so severely that it remained offline for three days.¹⁷ However, the Egyptian regime did not completely block websites; instead, he says, "they have other ways that they attack blogs, [like] report[ing] them to the hosts, saying they have a lot of inappropriate material. They did that with my YouTube account [which was shut down for a week in 2007], my Facebook account, my email — they've shut down my email several times."¹⁸

همین ترتیب بر استقلال خویش تاکید می‌کند با این توضیح که «من به هیچ حزب یا ایدئولوژی تعلق ندارم. ... من برخی از ایده‌های مارکسیستی را خوب می‌دانم، برخی ایده‌های اسلامی نیز خوب هستند، برخی ایده‌های لیبرال نیز به نظر من مقبول هستند.»^{۱۱} عباس تا حد زیادی بر شواهد مستند و خام تکیه دارد و به دیگران توصیه می‌کند که «همیشه تلاش کنید آنچه را که می‌گویید با عکس و ویدیو ... چند رسانه‌ای مستند سازید. این به شما مشروعیت بیشتری می‌بخشد.»^{۱۱}

فراتر از آن، بخش عمده اعتبار او، ناشی از استحکام و تعهد روزنامه‌نگاران و وی به شفافیت است؛ به عنوان مثال هنگامی که او به ارتکاب جرم متهم شد، در مقابل، نسخه‌ای از عدم سوء پیشینه خود را در وبلاگش گذاشت تا همه ببینند.^{۱۲} عباس هرگونه تلاش، جهت ارائه راه حل برای مشکلات روزمره‌ای را که وی در پی افزایش آگاهی در مورد آنهاست، رد می‌کند. عباس با توضیح رهیافت خویش، به تحسین چارلز دیکنز می‌پردازد، چون او به افزایش آگاهی در مورد مشکلات اجتماعی در بریتانیا پرداخت و هیچ‌گاه راه حلی ارائه نکرد، گرچه نوشته‌های وی زمینه را برای اصلاح جامعه فراهم کرد.^{۱۳} عباس می‌گوید: «من پاسخی ندارم. فقط می‌توانم به مشکل اشاره کنم... تا مردم آنها را حل کنند.»^{۱۴}

فضای مدنی

رژیم مصر فضای محدودی برای فعالیت فعالان سیاسی و اجتماعی و مخالفان، باز گذاشته بود که این امر به وبلاگ‌نویسان کشور، امکان ایفای نقش پیش‌تاز در فضای وبلاگ‌نویسی سیاسی در دنیای عرب را می‌داد. اما در سال ۲۰۰۹، مصر توسط کمیته حمایت از روزنامه‌نگاران، به عنوان

Abbas's experience with state repression began in 2006 during a wave of arrests of Egyptian internet activists; Abbas heard that he was wanted, collected his digital records, and fled to Alexandria, returning to Cairo a week later when his lawyers told him it was safe.¹⁹ As he began to attract worldwide attention through his blogging, he also attracted the Egyptian government's attention. The regime resorted to character assassination, as government-aligned forces began



spreading false rumors that were calculated to damage Abbas's credibility among Egyptians. A high-ranking government official went on satellite TV to say Abbas had a criminal past; a state-aligned newspaper accused him of publishing lies and "sick fantasies"; and internet rumors spread of his having converted to Christianity or being homosexual.²⁰

Security forces continually tapped Abbas's phones and made increasingly

یکی از ده کشور بالای فهرست کشورهای معرفی شد که «برای وبلاگ‌نویسان، خطرناک‌ترین فضای کار هستند.»^{۱۵} مقامات مسئول، بسیاری از وبلاگ‌ها را مسدود نمی‌کردند اما به ارباب، آزار و بازداشت گسترده وبلاگ‌نویس‌ها می‌پرداختند. به خاطر این فضای سرکوب (نگاه کنید به گزارش خانه آزادی در مورد آزادی اینترنت در مصر)، عباس می‌گوید: «خود را همیشه در شرایط تهدید احساس می‌کنم.»^{۱۶}

بنا به گفته عباس، وبلاگ او مرتباً هک شده و یک بار چنان با شدت مورد حمله قرار گرفت که تا سه روز دسترسی به آن ممکن نبود.^{۱۷} اما رژیم مصر، پایگاه‌های اینترنتی را کاملاً مسدود نمی‌کرد؛ به جای آن، بنا به گفته وی «آنها راه‌های دیگری برای حمله به وبلاگ‌ها دارند، [مثل] گزارش آنها به میزبانان سایت‌ها با گفتن اینکه، آنها مطالب نامناسب بسیاری دارند. آنها این کار را با حساب یوتیوب، فیس‌بوک و پیام الکترونیکی من کردند- آنها چندین بار پیام الکترونیکی من را مسدود کرده‌اند.»^{۱۸}

تجربه عباس با سرکوب حکومتی در سال ۲۰۰۶، در طی موجی از بازداشت‌های فعالان اینترنتی مصر آغاز شد؛ عباس را احضار و مدارک دیجیتال وی را جمع‌آوری کردند. او به اسکندریه گریخت و هفته بعد، وقتی که وکیلش به او گفت اوضاع آرام است، بازگشت.^{۱۹} وقتی توجه جهانی به او از طریق وبلاگ‌نویسی‌اش جلب شد، مقامات دولتی مصر نیز به او حساس شدند. رژیم با پخش شایعات دروغ توسط متحدان حکومت، که به نحوی محاسبه شده به مخدوش کردن اعتبار وی در میان مردم مصر مشغول بودند، به ترور شخصیت وی پرداخت. یکی از مقامات بالای دولت در یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای گفت

menacing phone calls to him, threatening to frame him and adding, "Forget about the law. We are the law. The day you fall into our hands, you'll scream for help and you'll cry."²¹ State security harassed Abbas on numerous occasions; in 2009, he was detained twice at the Cairo airport, and in the second incident, he was held for ten hours and his laptop was illegally confiscated.²² In April of that year, a police officer and his brother broke into Abbas's home, assaulting both him and his mother and knocking out one of his teeth.²³ Abbas filed an official complaint, but it was not investigated due to "insufficient evidence," despite extensive medical and photographic documentation of Abbas' injuries.²⁴ Then in December, while Abbas was out of the country, plainclothes police forced their way into Abbas's family home while refusing to provide a warrant or identification.²⁵

As the Interior Ministry escalated its harassment of Abbas, it began to file manufactured charges against him. In November 2009, he was sentenced to six months of jail and a 500-pound fine for "tampering with an internet cable."²⁶ While he was cleared of the charges on appeal in February 2010, the next month he received the same sentence, this time for "providing a telecommunications service to the public without permission."²⁷

Despite the ongoing harassment he faces, Abbas remains undaunted in his commitment to raising Egyptians' awareness of human rights abuses. Abbas refuses to blog anonymously to protect

که عباس دارای سوء سابقه کیفری است؛ یکی از روزنامه‌های هوادار دولت، او را به نشر دروغ و «تخیلات بیمارگونه» متهم کرد؛ و شایعات اینترنتی مبنی بر تغییر مذهب وی به مسیحیت یا همجنسگرایی منتشر شد.^{۲۰}

نیروهای امنیتی، برای تلفن وی شنود گذاشتند و به طور فزاینده‌ای تماس‌های تلفنی آزاردهنده با وی برقرار کرده و او را به تله‌گذاری تهدید می‌کردند، با افزودن اینکه «قانون را فراموش کن. قانون خود ماییم. روزی که به دست ما بیفتی، برای نجات فریاد خواهی کرد و خواهی گریست.»^{۲۱} دستگاه امنیتی دولت، عباس را مکرراً مورد آزار قرار داده است؛ در سال ۲۰۰۹، او دو بار در فرودگاه قاهره بازداشت شد و در رخداد دوم، ده ساعت توسط ماموران نگاه داشته شد و کامپیوتر وی به طور غیر قانونی ضبط شد.^{۲۲} در آوریل همان سال، یک افسر پلیس و برادرش به زور وارد خانه عباس شدند، به او و مادرش حمله کردند و یکی از دندان‌هایش را شکستند.^{۲۳} عباس رسماً شکایت کرد اما این امر به دلیل «غیر کافی بودن شواهد» مورد تحقیق واقع نشد، در حالی که اسناد پزشکی و تصاویر مربوط به جراحات عباس وجود داشت.^{۲۴}

بعد از آن در دسامبر، زمانی که عباس خارج از کشور بود، پلیس لباس شخصی، بدون ارائه حکم بازرسی یا کارت هویت، وارد منزل وی شد.^{۲۵}

با افزایش آزار عباس توسط وزارت داخله، این وزارت‌خانه به تنظیم پرونده اتهامات علیه وی پرداخت. او در نوامبر ۲۰۰۹، به شش ماه زندان و پانصد پوند جریمه به خاطر «تخریب و سوء استفاده از کابل اینترنتی» محکوم شد.^{۲۶} در فوریه ۲۰۱۰، دادگاه تجدید نظر، اتهامات وی را رد کرد اما ماه

himself; he uses his own name in order to "encourage people to join us. I want them to know who we are, and that we are here...in Egypt, and we are not afraid."²⁸

Message and Audience

When Abbas founded his blog, he wanted to reach the youth of Egypt with his message that abuses of Egyptians' human rights are unacceptable. Abbas describes his original target audience as "the youth who can't live a decent life" in Egypt.²⁹ Because he wanted to attract young Egyptians without much education or interest in politics, he chose to write his blog in colloquial Arabic, as opposed to the formal version of Arabic that is taught in schools, thus making his blog more accessible to Egyptians without a high level of education.

As he says, "I try to talk to them in their own knowledge...and tell them that first we understand them, and second that we are interested in having a conversation with you. Don't make them feel intimidated, don't make them think that you are an elitist."³⁰ Abbas is known for his extremely informal, and frequently profane, style of writing, and explains that this is "actually what provokes people to interact, and understand, and absorb what I'm telling them."³¹

Abbas's first major blogging success came on May 25, 2005, the day of a referendum on Egypt's constitution. That morning, plainclothes police and paid thugs beat and sexually assaulted journalist and peaceful protestors.³² Abbas

بعد، او همان حکم را دریافت کرد، این بار برای «فراهم کردن خدمات ارتباطی برای مردم، بدون مجوز.»^{۲۷}

عباس، علی‌رغم آزار همیشگی، در تعهد خویش به افزایش آگاهی مصریان از نقض حقوق بشر، استوار ماند. عباس از وبلاگ‌نویسی به نحو ناشناس برای حفاظت از خود، سر باز زد؛ او از نام خود برای «تشویق مردم به پیوستن به جمع وبلاگ‌نویسان» استفاده می‌کند. «من می‌خواهم آنها بدانند ما کی هستیم و اینجا هستیم... در مصر و ما نمی‌ترسیم.»^{۲۸}

پیام و مخاطب

پس از راه‌اندازی وبلاگ شخصی، عباس می‌خواست با جوانان مصر ارتباط برقرار کرده و این پیام را به آنها انتقال دهد که نقض حقوق بشر مصریان، پذیرفته نیست. عباس، مخاطبان اصلی خود را «جوانانی می‌داند که نمی‌توانند یک زندگی شرافتمندانه در مصر داشته باشند.»^{۲۹} او می‌خواست جوانان مصری با تحصیلات نه چندان زیاد و علاقه اندک به سیاست را جذب کند و از این جهت، نوشتن به زبان عربی روزمره را در مقابل زبان رسمی که در مدارس تدریس می‌شود، برگزید. این امر، وبلاگ وی را برای مصریان بدون تحصیلات بالا، قابل دسترس ساخت.

همان‌طور که عباس می‌گوید: «من سعی می‌کنم بر حسب دانش آنها با ایشان سخن بگویم... و به آنها بگویم که اولاً ما آنها را درک می‌کنیم و دوم آنکه ما به مکالمه با شما علاقه‌مند هستیم. نگذارید آنها احساس ترس پیدا کنند، نگذارید فکر کنند که شما نخبه‌گرا هستید.»^{۳۰} عباس به خاطر سبک غیر رسمی و اغلب عرفی نوشته‌هایش، شناخته شده است و معتقد است

was able to take pictures of these events, and even interviewed one of the thugs, who described how he'd been paid by state security forces and bussed in from the slums along with others in order to disrupt the protests.³³ After Abbas published everything on his blog, he received half a million site visits in just two days; the story spread to traditional news outlets, and local newspapers wrote about the scandal for months.³⁴

In late 2006, Abbas publicized two stories that quickly became two of the biggest scandals of the year. The first incident took place in late October, on Eid el-Fitr, the holiday marking the end of Ramadan. After finding that a movie showing was sold out at a downtown Cairo theater, mobs of hundreds of men attacked the box office; they then surrounded women in the area, groping their bodies, ripping off their clothes, and chasing those who tried to escape.³⁵ Meanwhile, policemen stood by and watched, not even attempting to intervene; indeed, when some onlookers asked them to do something, the police merely responded, "What do you want us to do? It's Eid. Happy Eid to you too!"³⁶

Abbas was in the neighborhood at the time and took pictures of the mob and of the policemen standing by; he then posted the photos on his blog along with his eyewitness account of what had happened. Other bloggers also posted about the "sexual frenzy" that had occurred, while the traditional media ignored it and police stations refused to accept reports from women who had been attacked.

این سبک «حقیقتاً همان چیزی است که مردم را به تعامل، درک و جذب آنچه من می‌گویم، تحریک می‌کند.»^{۳۱}

اولین موفقیت عمده وبلاگ‌نویسی عباس در ۲۵ مه ۲۰۰۵ رخ داد، روز همه‌پرسی در مورد قانون اساسی مصر. آن روز صبح، پلیس لباس شخصی و اوباش مزدور، معترضان آرام و یک روزنامه‌نگار را کتک زدند و به آنها حملات جنسی کردند.^{۳۲} عباس توانست از این رخدادها عکس بگیرد و حتی با یکی از اوباش مصاحبه کند. این فرد، چگونگی پرداخت پول توسط نیروهای امنیتی به آنها و آوردن آنها با اتوبوس از محلات فقیر، همراه با دیگران جهت برهم زدن اعتراضات را توصیف کرد.^{۳۳}

عباس پس از توصیف همه چیز در وبلاگ، یک و نیم میلیون دیدار از پایگاه خود، در دو روز دریافت کرد؛ این داستان به رسانه‌های خبری سنتی گسترش یافت و روزنامه‌های محلی چندین ماه در مورد این رسوایی، مطالبی منتشر کردند.^{۳۴} عباس در اواخر ۲۰۰۶، دو داستان منتشر کرد که به سرعت به دو رسوایی بزرگ سال، مبدل شدند. اولین واقعه در اواخر اکتبر، در روز عید فطر یا پایان ماه رمضان رخ داد. دسته‌ای از اوباش، پس از پی بردن به فروش بلیط‌های یک فیلم در سالنی در مرکز قاهره، به گیشه آن حمله کردند؛ آنها زنان را در آن محدوده محاصره کرده، روی بدن‌های آنها افتاده، لباس‌هایشان را پاره کردند و کسانی را که تلاش داشتند بگریزند تعقیب کردند.^{۳۵} در این حال، افراد پلیس ایستاده بودند و تماشا می‌کردند و حتی جهت مداخله، تلاشی صورت ندادند. وقتی برخی از ناظران از آنها خواستند که کاری انجام دهند، پلیس پاسخ داد، «می‌خواهید چه کنیم؟ روز عید است. عید شما هم

However, three days later on the private TV channel Dream's program "10pm," a blogger told the program's host all about the Eid sexual assaults, breaking the story to the Egyptian public. The next night, the show aired a special report on the incident, including an interview with one of the eyewitness bloggers and using some of the photos Abbas had taken.

After that, it was impossible to cover up the story; it spread across Egypt and the Middle East, and eventually the rest of the world. Egyptians debated what had happened and why, government critics



attacked the police's negligence, and women held demonstrations against sexual harassment. The independent newspaper Al Masry Al Youm took the lead in covering the story, forcing the state-run press to cover it as well, albeit with denials from the Ministry of Interior. A national dialogue on sexual harassment, a topic that had always been taboo in Egyptian society, had been launched, largely thanks to Abbas and his fellow bloggers.

Aside from his coverage of the Eid sexual assaults, Abbas had become known

مبارک».^{۳۶}

عباس در آن زمان، در همان محل بود و عکس‌هایی از اوباش و پلیس نظاره‌گر گرفت؛ سپس عکس‌ها را در وبلاگش گذاشت و گزارش شاهدان از آنچه گذشته بود را بیان کرد. وبلاگ‌نویسان دیگری نیز مطالبی در مورد «جنون جنسی» رخ داده منتشر کردند. در همین حال، رسانه‌های سنتی موضوع را نادیده گرفتند و ایستگاه‌های پلیس از قبول گزارش از زنانی که مورد حمله واقع شده بودند، خود داری کردند.

اما سه روز بعد، یک وبلاگ‌نویس در برنامه ساعت ۱۰ شب، در شبکه خصوصی «رویا»، ماجرای حملات جنسی را برای میزبان تعریف کرد و موضوع را به اطلاع عموم رساند. شب بعد، همین برنامه، گزارشی ویژه در مورد این رخداد شامل مصاحبه با یکی از وبلاگ‌نویسان شاهد عینی و عکس‌های عباس پخش کرد.

پس از آن، انکار ماجرا ممکن نبود و ماجرا در سراسر مصر و خاورمیانه و بعداً در جهان پخش شد. مصریان آنچه را که رخ داده بود و علت آن را به بحث گذاشتند، منتقدان حکومت، به غفلت پلیس حمله کردند و زنان، تظاهراتی علیه آزار جنسی برگزار کردند. روزنامه مستقل المصری‌الیوم، در پرداختن به ماجرا نقش پیشگام را بر عهده گرفت و مطبوعات دولتی را مجبور کرد این داستان را پوشش دهند، گرچه همراه با انکارهایی از سوی وزارت داخله. به خاطر تلاش عباس و وبلاگ‌نویسان دیگر، یک گفتگوی ملی در مورد آزار جنسی یعنی موضوعی که همواره در جامعه مصر تابو بوده، به راه افتاد.

جداً از پوشش حملات جنسی عید فطر، عباس برای آثارش در مورد قساوت پلیس و ویدیوهایی که پلیس را در حال کتک زدن و شکنجه مظنونان

for his work publicizing police brutality by posting videos showing police beating and torturing suspects. The most notorious of these videos was one he posted in November 2006 — a gruesome video that would send shockwaves through Egyptian society.

In January 2006, Emad El-Kebir, a 21-year-old minibus driver, had been detained at a Giza police station for attempting to save his cousin from being beaten by plainclothes policemen.³⁷ At the station, policemen brutally tortured and sexually assaulted El-Kebir while videotaping the attack with a mobile phone. After El-Kebir was released, he found that the video had been distributed among his fellow minibus drivers, partly to humiliate him further and partly to intimidate the other drivers into paying the "fines" the police regularly extort from them.³⁸

After obtaining the video from fellow Egyptian blogger Mohamed Khaled, Abbas posted it on Egyptian Awareness. Abbas followed the story for months as it was investigated by the independent press; when two of the policemen were arrested, he hailed it as a "great success for the bloggers and popular press," but emphasized that "this is just the beginning...and those [arrested] are only the ones who have been discovered; torture is ongoing, of both political [dissidents] and criminals."³⁹

Abbas greeted the men's sentencing to three years in prison with "great delight," and has said that this experience exemplifies his approach to blogging.⁴⁰ Because of his

نشان می‌دهد، شناخته شده است. بدنام‌ترین این ویدیوها، ویدیویی بود که او در نوامبر ۲۰۰۶، بر روی پایگاه اینترنتی خود گذاشت و جامعه مصر را تکان داد.

عماد الکبیر، یک راننده مینی‌بوس ۲۱ ساله در ژانویه ۲۰۰۶، در یک ایستگاه پلیس در شهر الجیزه، به اتهام تلاش برای کمک به نجات یکی از بستگان خود از ضرب و شتم پلیس‌های لباس شخصی، بازداشت شده بود.^{۳۷} افراد پلیس در ایستگاه مزبور به شدت وی را شکنجه کرده و به او حملات جنسی کردند، در حالی که این حملات را با تلفن همراه خود ضبط و ویدیویی می‌کردند. پس از آزادی الکبیر از زندان، او دریافت که این ویدیو در میان همکاران راننده‌اش توزیع شده است، با این هدف که او را بیش از این تحقیر کرده و رانندگان دیگر را برای پرداخت «جریمه» به پلیس مرعوب سازند. پلیس به طور معمول تحت عنوان جریمه، از رانندگان باج‌گیری می‌کرده است.^{۳۸}

عباس پس از دریافت ویدیو از وبلاگ‌نویس مصری به نام محمد خالد، آن را در پایگاه بیداری مصر گذاشت. او ماه‌ها داستان مربوطه را در حالی که در رسانه‌های مستقل دنبال می‌شد، پی گرفت؛ پس از دستگیری دو تن از ماموران پلیس، او این عمل را به عنوان «موفقیتی بزرگ برای وبلاگ‌نویس‌ها و مطبوعات عامه‌پسند» ستایش کرد اما تأکید کرد که «این فقط آغاز ماجراست و بازداشت‌شدگان، فقط کسانی هستند که کار آنها رو شده است؛ شکنجه [مخالفان] سیاسی و مجرمان ادامه دارد.»^{۳۹} او محکوم شدن این افراد به سه سال زندان را با «شعف بسیار» خوش‌آمد گفت و گفته است که این تجربه، نمایانگر رهیافت وی به وبلاگ‌نویسی است.^{۴۰}

work to raise awareness about El-Kebir's case, Abbas says, police torture, which used to be accepted apathetically, became less acceptable "because people are talking about it...The problem is not totally solved, but the people became aware... they became more used to exposing that kind of torture."⁴¹

As El-Kebir's lawyer, Nasr Amin, said, "Thousands of torture complaints have been brought to prosecutors...but they came to nothing. The bloggers managed to upset things."⁴²

While Abbas originally focused on reaching Egyptian youth, as time went on, he began attracting a wider audience. Abbas explains proudly, "I found out that people of all ages are visiting and interacting with my blog."⁴³ Today, Egyptian Awareness receives over a million hits per month, with 62 percent of those readers coming from within Egypt.⁴⁴

Along with his blog, Abbas uses social sites such as YouTube, Twitter, and Facebook to communicate with supporters. When he and his mother were attacked by policemen in 2009, he used his cell phone to post running Twitter updates on his status, even from the police station he reported the crime at. His followers spread the news to blogs and then to traditional media outlets, both local and international, which publicized the state's harassment of Abbas.⁴⁵

Outreach Activities

Through his blogging, Abbas has achieved victories he could not have

عباس می‌گوید به دلیل آگاهی‌رسانی در مورد قضیه الکبیر، شکنجه پلیس که پیش از این با بی‌تفاوتی مورد پذیرش عموم قرار می‌گرفت، کمتر مقبول واقع شد «چون مردم در مورد آن صحبت می‌کنند... مشکل کاملاً حل نشده اما مردم آگاه شدند... آنان به افشای این نوع شکنجه بیشتر خو کرده‌اند.»^{۴۱}

نصر امین، وکیل الکبیر می‌گوید: «هزاران شکایت شکنجه در برابر بازپرسان قرار گرفته است ... اما به هیچ جا نرسیدند. وبلاگ‌نویسان شرایط را تغییر دادند.»^{۴۲}

عباس در ابتدا بر ارتباط‌گیری با جوانان متمرکز بود، اما با گذشت زمان مخاطب بیشتری را جذب کرد. عباس با افتخار در این مورد می‌گوید: «من پی بردم که مردم در همه سنین به وبلاگ من سر می‌زنند و با آن تعامل دارند.»^{۴۳} امروز بیداری مصر، ماهانه بیش از یک میلیون خواننده دارد، که ۶۲ درصد آنها مصری هستند.^{۴۴}

عباس همراه با وبلاگش از پایگاه‌های اینترنتی اجتماعی مثل یوتیوب، توئیتر و فیس‌بوک برای ایجاد ارتباط با حامیانش استفاده می‌کند. پس از مورد حمله واقع شدن وی و مادرش در سال ۲۰۰۹، او از تلفن همراه، برای به روز کردن توئیترش در مورد وضعیت خود در جاهای مختلف استفاده کرد، حتی از ایستگاه پلیسی که وی برای گزارش جنایت به آنجا رفته بود. هواداران وی، این اخبار را به وبلاگ‌ها و سپس به رسانه‌های سنتی محلی و بین‌المللی نشر دادند تا حمله دولت به عباس در این اخبار به اطلاع عموم برسد.^{۴۵}

فعالیت‌های فراگستر

عباس از طریق وبلاگ‌نویسی به پیروزی‌هایی دست یافته که در آغاز کار، حتی نمی‌توانست آنها

dreamed of at the start; he has won Human Rights Watch's 2008 Hellman Hammett Award, been named CNN's 2007 Middle East Person of the Year, and became the first blogger to receive the International Committee for Journalists' Knight International Journalism Award, in 2007.

Abbas is often considered Egypt's most influential political blogger, and as such he has a greater impact on news coverage in the country than many would have thought possible.⁴⁶ While it is true that only a small percentage of Egyptians have internet access, Abbas's influence is not limited to only those who read his blog. Rather, his writings have had a ripple effect, influencing the print media and satellite TV to cover the stories he reports.

Regardless of the difficulties he has faced, Abbas has no regrets about his blogging career: "At least I have the respect of the people, and people know that I am doing something that is good...that might result in change in the end."⁴⁷

را تصور کند؛ او جایزه هلمن همت ۲۰۰۸، را از دیده‌بان حقوق بشر دریافت کرد؛ سی‌ان‌ان وی را فرد سال ۲۰۰۷ در خاورمیانه اعلام کرد؛ او اولین وبلاگ‌نویسی است که جایزه شوالیه بین‌المللی را از سوی کمیته بین‌المللی روزنامه‌نگاران در سال ۲۰۰۷، دریافت کرد.

عباس با نفوذترین وبلاگ‌نویس سیاسی مصر شناخته می‌شود و به همین دلیل تاثیر زیادی بر پوشش اخبار داخل کشور در برابر آنچه بسیاری تصور می‌کنند، دارد.^{۴۶} درست است که فقط درصد اندکی از مصریان به اینترنت دسترسی دارند اما تاثیر عباس فقط به آنها که وبلاگش را می‌خوانند محدود نمی‌شود. نوشته‌های وی تاثیرات با واسطه نیز دارند و تلویزیون‌های ماهواره‌ای و مطبوعات از مطالبی که وی گزارش می‌دهد، تاثیر می‌پذیرند.

عباس بدون توجه به دشواری‌هایی که داشته، هیچ افسوسی برای ورود به عرصه وبلاگ‌نویسی نمی‌خورد: «حداقل مردم به من احترام می‌گذارند و می‌دانند من کار خوبی انجام می‌دهم... که ممکن است در نهایت به تحول منجر شود.»^{۴۷}

Footnotes

1. Malinowski, Tom. "The Mubarak Test." Human Rights Watch, 13 May 2009.
2. Abbas, Wael. "Help Our Fight For Real Democracy." The Washington Post 27 May 2007.
3. Ibid.
4. El-Katatney, Ethar. "Wael Abbas Interview." Egypt Today 29:7 (July 2008).
5. El-Jesri, Manal. "Free For All." Egypt Today 28:2 (Feb. 2007).
6. Abbas, Wael. "Acceptance speech at ICFJ award dinner." YouTube, 19 Dec. 2007.
7. El-Jesri.
8. Abbas. "Help Our Fight For Real Democracy."
9. El-Katetney.
10. El-Jesri.
11. Arya, Sarika and Meredith Morrison. "(Actually) In Conversation with: Wael Abbas." The Yale Journal of Human Rights blog, 23 July 2009.

پی‌نوشت‌ها

12. El-Katatney.
13. Arya and Morrison.
14. Ibid.
15. Committee to Protect Journalists. "10 Worst Countries to be a Blogger." 30 April 2009.
16. "NOW Transcript – Show 314." PBS. 6 April 2007.
17. El-Katatney.
18. Arya and Morrison.
19. Shadid, Anthony. "Egypt shuts door on dissent as U.S. officials back away." The Washington Post 19 March 2007.
20. Abbas, Wael. "Big Brothers." Slate 14 May 2007.
- IRIN. "Egypt: Sexual harassment laws weak, say activists." Reuters AlertNet 9 Nov. 2006.
21. Sherif, Ahmad. "Egyptian police intimidation of Wael Abbas (video)." Ahmad Sherif Project blog, 2 July 2007.
22. Abdel Dayem, Mohamed. "Middle East Bloggers: The Street Leads Online." Committee to Protect Journalists, 14 Oct. 2009.
23. Atef, Noha. "Egypt: A Blogger Attacked in His House." Global Voices Advocacy, 9 April 2009.
24. Atef, Noha. "Egypt: Blogger Wael Abbas Sentenced to Jail. Another Still in Prison Despite Judicial Release Order." Global Voices Advocacy, 23 Jan. 2010.
25. Amer, Pakinam. "Police raid home of prominent blogger." Al Masry Al Youm English 13 Dec. 2009.
26. "Protests over case against Egyptian blogger Wael Abbas." BBC News 12 March 2010.
27. Ibid.
28. "Listening Post: Egyptian Blogosphere – Wael Abbas." Al Jazeera English. 9 Oct. 2009.
29. Al Tamimi, Jumana. "Egyptian blogger first to win award." Gulfnews 30 Aug. 2007.
30. Arya and Morrison.
31. Ibid.
32. McGrath, Cam. "Rights-Egypt: Bloggers Name and Shame Torturers." Inter-Press Service 21 Dec. 2009.
33. Abbas. "Help Our Fight For Real Democracy."
34. Ibid.
35. Abdelhadi, Magdi. "Cairo street crowds target women." BBC News 1 Nov. 2006.
36. "The Eid sexual harassment incident." Rantings of a Sandmonkey blog, 30 Oct. 2006.
37. El-Hamalawy, Hossam. "Victim of police rape video identified." Arabist blog, 9 Dec. 2006.
38. Nkrumah, Gamal. "El-Kebir vindicated." Al-Ahram Weekly 870 (8-14 Nov. 2007).
39. Abbas, Wael. "El Qabd Ala Dubbat El Taazib." El Wa'i El Masry, 25 Nov. 2006.
40. Abbas, Wael. "Ya Reitni Kunt Maahom Fi Natq El Hokm Ala Islam Nabih." El Wa'i El Masry, 7 Nov. 2007.
41. Arya and Morrison.
42. Witness. "Egyptian Internet Torture Video Shakes Police Sense of Impunity." The Hub, 7 Nov. 2007.
43. Al Tamimi.
44. El-Katatney.
45. PeaceWork. "Egyptian Activist Twitters to Freedom: Wael Abbas Used Cell Phone from Custody to Mobilize Support." PeaceWork Magazine 395 (May 2009).

46. Isherwood, Tom. "A new direction or more of the same?" Arab Media & Society 6 (Fall 2008).
47. "Egyptian Blogger Wael Abbas." BBC HardTalk. 13 Jan. 2010.

Learn More

News and Analysis

- Abbas, Wael. "Big Brothers." Slate 14 May 2007.
Abbas, Wael. "Help Our Fight For Real Democracy." The Washington Post 27 May 2007.
Abbas, Wael. "Home Page." Egyptian Awareness blog (Arabic).
Abbas, Wael. Twitter account (mostly in Arabic).
Abbas, Wael. YouTube account (mostly in Arabic).
Arya, Sarika and Meredith Morrison. "(Actually) In Conversation with: Wael Abbas." The Yale Journal of Human Rights blog, 23 July 2009.
El-Jesri, Manal. "Free For All." Egypt Today 28:2 (Feb. 2007).
El-Katatney, Ethar. "Wael Abbas Interview." Egypt Today 29:7 (July 2008).
Isherwood, Tom. "A new direction or more of the same?" Arab Media & Society 6 (Fall 2008).
Petrou, Michael. "The Interview: Wael Abbas." MacLeans 13 Oct. 2009.

Videos

- Amos, Deborah. "Blogging and Tweeting, Egyptians Push for Change." NPR Morning Edition. 26 Aug. 2010.
"Egyptian Blogger Wael Abbas." BBC HardTalk. 13 Jan. 2010.
"Listening Post: Egyptian Blogosphere – Wael Abbas." Al Jazeera English. 9 Oct. 2009.
"Report on User-Generated Content in the Middle East." CNN. 3 Nov. 2007.

بیشتر بدانید

خبرها و مقاله‌ها

ویدئوها